

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران (علمی- پژوهشی)

دکتر فرانک جهانگرد^۱

چکیده

برای ورود به هر گونه بحثی در حوزه ادبیات پایداری، لازم است نخست یکی از تعاریف متعدّد آن را پذیرفت. هر کدام از این تعاریف به گونه‌ای بر نقاط سلبی و ایجابی آن تأکید کرده‌اند. بررسی سیر تکوینی این تعاریف نشان می‌دهد ادبیات پایداری در آغاز صرفاً به ادبیات دفاع مقدّس اطلاق می‌شده، اما به مرور و با در نظر گرفتن ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش آن، پهنه گسترده‌تری یافته است. با تکیه بر تعریف‌های متعدّد پیشین و مرور سیر تحوّل آنها و با در نظر گرفتن متغیرهای متعدّد آن، می‌توان گفت ادبیات پایداری به مجموعه آثار ادبی متعهد و ملتزمی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد انگیزه در جامعه، برای حفظ هویت در برابر عوامل تهدید کننده آن پدید آمده باشد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، هویت، ادبیات متعهد و ملتزم.

^۱ استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی fjahangard@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۷/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱۵

۱- مقدمه

از پیامدهای جنگ اسرائیل و فلسطین، توجه به نوع ادبی‌ای در ادبیات معاصر جهان بود که با عنوان ادب المقاومة (Resistance literature) شناخته شد و هدف آن، فراخواندن توده‌ها به ایستادگی در جنگ در برابر اسرائیل بود.

ادبیات مقاومت با پیدایش آثاری در حوزه نظم و نثر؛ شعر، رمان، داستان، نمایشنامه و سایر قالب‌ها، قوت گرفت و به صورت جریان بالنده و هدفمندی درآمد که با تأثیرگذاری بر جامعه و برانگیختن و به چالش کشیدن توده‌ها، جنبه کاربردی داشت. با پیدایش و بالندگی این آثار، پژوهش‌های ادبی‌ای با هدف بررسی و تحلیل ابعاد، ویژگی‌ها و جایگاه ادبیات مقاومت شکل گرفت. ادبیات مقاومت، تنها به آفرینش‌ها و پژوهش‌های ادبی به زبان عربی، محدود و منحصر نماند؛ چرا که بسترهای پیدایش آن، می‌تواند در هر جامعه‌ای، با توانایی آفرینش‌های ادبی و هنری و شعور و درک اجتماعی، مهیا شود.

۱-۱- بیان مسئله

امروزه، ادبیات مقاومت، منحصر به ادبیات عرب و مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل نیست در سرزمین‌های دیگر و در ادبیات سایر ملت‌ها نیز می‌توان آفرینش‌ها و پژوهش‌هایی در این حوزه یافت. پایداری به شعر و ادبیات منحصر نمی‌شود؛ هنر پایداری نیز در حوزه‌ها و در سرزمین‌های گوناگون بالیده و شکل گرفته است. مطالعات در زمانی نشان می‌دهد که شاخصه‌های پایداری در دوره‌های پیشین هم در ادبیات بسیاری از اقوام وجود داشته است. این شاخصه‌ها را به ویژه در ادبیات اقوامی می‌توان یافت که همواره مورد هجوم و تجاوز بوده‌اند. در ایران نیز، اغلب به موازات جنگ‌ها و تهدیدها، رگه‌های ادبیات پایداری دیده می‌شود. تاکنون ادبیات پایداری به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. هر کدام از این تعاریف بر شاخصه‌هایی تأکید کرده‌اند؛ در این پژوهش با برشمردن تعاریف و استخراج این شاخصه‌ها تلاش خواهد شد به تعریفی از ادبیات پایداری دست یابیم که هم آثار دوره معاصر را دربرگیرد و هم آثار کهن ادبیات فارسی را.

۱-۲- پیشینه تحقیق

مقاله «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود» از احمد امیری خراسانی و فاطمه هدایتی، تنها مقاله‌ای است که به طور مستقل به این مقوله پرداخته است. به جز مقاله فوق تا کنون مقاله مستقلی درباره تعریف ادبیات پایداری نوشته نشده، اما در کتاب‌ها و مقالات مختلف در این زمینه، تعریف‌های ادبیات پایداری را می‌توان یافت.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

تعریف ادبیات پایداری در ایران، دستخوش تحولاتی شده و گستره آن تغییراتی پذیرفته است. در نخستین تعریف‌ها، ادبیات پایداری، مجموعه آثار ادبی‌ای معرفی شده که حول محور دفاع مقدس در دوره جنگ و پس از آن شکل گرفته است؛ اما توجه به این که بن‌مایه‌ها و ریشه‌های این آثار از ادبیات کهن مایه گرفته است، لازم است تعریفی از ادبیات پایداری به دست داد که هم آثار معاصر را دربرگیرد و هم آثار کهن را؛ چرا که ایران کشوری است با پیشینه جنگ‌های متعدد و گاه طولانی و دارای پیشینه ادبی و هنری کهن؛ بنابراین، بسترهای پیدایش ادب پایداری در ایران وجود داشته است.

از طرف دیگر برای شناخت هر پدیده، نخست لازم است تعریفی از آن به دست داد. مرور تعاریف ادبیات پایداری و استخراج شاخصه‌های پر اهمیت و مورد تأکید پژوهشگران، سیر تکوینی تعریف ادبیات پایداری و مصادیق آن را در طول تاریخ ادبیات فارسی نشان می‌دهد.

۲- بحث

منصور رستگار فسایی تعریفی از ادبیات پایداری در کتاب «انواع شعر فارسی» آورده است: ادبیات پایداری «بازتاب سلحشوری، پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی در حفاظت از مرز و بوم سرزمین نیاکان خویش است که در این راستا با باورهای اسلامی و عقاید استوار شیعی آنان همراه گشته است.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۳۹۰) رستگار فسایی برای ادبیات پایداری، محدوده زمانی‌ای در نظر گرفته؛ دوره معاصر و به طور خاص، آن را با ادبیات دفاع مقدس یکی دانسته

است. در همین راستا، پایداری را در برابر تجاوزگران و سلطه‌گران بیگانه می‌داند. در این تعریف، ادبیات پایداری جنبه توصیفی دارد؛ اما با در نظر گرفتن این نکته که توصیف سلحشوری‌ها و پایداری‌ها می‌تواند برای پایداری، انگیزه ایجاد کند، می‌توان آن را دارای جنبه کاربردی هم دانست.

در سال ۱۳۷۳ نخستین سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان برگزار شد. در مقالات این سمینار، ادبیات مقاومت، ادبیات دفاع مقدس دانسته شده است. محمد اسماعیل‌زاده در مقاله «جایگاه رمان در ادبیات انقلاب اسلامی»، ادبیات مقاومت را ادبیاتی دگرخواه می‌داند که عناصر اصلی آن، توده مردم، تحولات اجتماعی و پیشروان فکری جامعه است و نطفه این نوع ادبیات در بستری از حوادث و رویدادهای اجتماعی بسته می‌شود، از سوی پیشروان فکری جامعه آفریده می‌شود در بین مردم رشد می‌یابد و نضج می‌گیرد. (اسماعیل‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۴)

جمال میرصادقی در «واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی» آورده: ادبیات پایداری «به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. معمولاً این نوع آثار در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندانه پرداخته شوند از حیطة تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به صورت شاهکارهای ادبیات، ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت معمولاً به توصیف دلاوری‌ها و جدال‌ها و از خودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملتی یا قومی دیگر که اغلب اشغالگر یا متجاوز است، از خود نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶)

میرصادقی به «دوران خاص» اشاره می‌کند که بستری برای پیدایش ادبیات پایداری فراهم می‌شود. با این که وی توضیح آشکاری نداده که مراد از دوره‌های خاص چیست، این تعریف، وابستگی ادبیات پایداری را به وضعیت اجتماعی، سیاسی و تاریخی نشان می‌دهد. میرصادقی بر جنبه قومی و ملی بودن آثار پایداری نیز تأکید دارد. وی محصور شدن در حیطة تنگ ادبیات قومی و ملی را از آسیب‌های آثار پایداری می‌داند. در این تعریف، هم به جنبه کاربردی و هم به جنبه توصیفی ادبیات پایداری اشاره شده و آن را ادبیاتی هدفمند می‌داند که هدف آن، ایجاد روحیه مبارزه و پایداری است. در این تعریف بر دشمنان بیرونی و تجاوزگران خارجی نیز تأکید شده است.

در تعریفی دیگر آمده «ادبیات مقاومت دربردارنده آثار ادبی‌ای است که از لحاظ مضمون و غایت، مخاطب خود را به پایداری در برابر دشمن فرامی‌خواند و در ذات آن، حقیقت‌خواهی و امید به آینده همواره فراروی خالق اثر و بطن متن ادبی - وجود دارد.» (رحمان‌دوست، ۱۳۷۹: ۴۶۶) تأکید رحمان‌دوست، بر هدفمندی ادبیات پایداری است و کارکرد اجتماعی آن.

در تعریفی دیگر گفته شده ادبیات پایداری «به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین، و سرمایه‌های ملی و فردی... شکل می‌گیرد؛ بنابراین، جان‌مایه این آثار، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.» (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵) سنگری پیدایش ادبیات پایداری را وابسته به بحران‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی می‌داند و نوعی مبارزه در ذات ادبیات پایداری می‌بیند. مبارزه‌ای در برابر جریان‌های ضد آزادی. این مبارزه افزون بر دشمنان خارجی، می‌تواند با بیدادگران داخلی هم باشد؛ بنابراین، حوزه‌ای که برای دشمنان در نظر می‌گیرد گسترده‌تر از دشمنان خارجی و متجاوزان است و مصادیقی که برای ادبیات پایداری در نظر دارد، بیدادگران داخلی و ادبیات مربوط به مبارزه با آنان را هم دربرمی‌گیرد.

در تعریفی دیگر آمده «ادبیات پایداری یعنی فکر و فرهنگی که به نفی وضع ظالمانه و ایجاد وضع عادلانه و دفاع از حق و نفی باطل می‌پردازد و بر این خط فکری مستدام می‌باشد.» (عیسی‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۶۳) مهمترین عنصری که در این تعریف به آن اشاره شده، تقابل‌های دوگانه در ادبیات پایداری و جهت‌گیری آن است.

عبدالجبار کاکایی در کتاب «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری» شعر پایداری را چنین تعریف کرده است: «شعر پایداری، جدا از دلالت‌های موضوعی از منظر فلسفه و علوم نظری به شعری اطلاق می‌شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است... ادب پایداری در معنای جنگ با بیگانه، بازتاب روحی - روانی نسلی است، ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی، و مشارکت و مباشرت آن نسل در همدلی و همراهی یکدیگر.» (کاکایی، ۱۳۸۵: ۹) کاکایی به پایداری در برابر گونه‌ای از تجاوز بشری اشاره می‌کند و بر جنبه قومی بودن آن تأکید دارد.

فرزان سجودی در مقاله «ساختار شعر پایداری» آورده: «شعر پایداری، گونه‌ای از شعر است که در آن مفاهیم اعتراض و مقاومت اجتماعی، جنگ در مقابل تجاوزگران و انقلاب در مقابل سلطه‌گران غلبه دارد. با چنین تعریفی، خاستگاه شعر پایداری، اجتماعی است و این نوع ادبی از دل رویدادهای ویژه‌ای که در یک جامعه ویژه رخ می‌دهد، بروز می‌کند.» (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۹) سجودی بر جنبه اجتماعی شعر پایداری تأکید دارد و تجاوزگران خارجی و سلطه‌گران داخلی هر دو را در نظر دارد.

شریفی در «فرهنگ ادبیات فارسی» ذیل مدخل ادبیات جنگ آورده است: «ادبیات جنگ، نوشته‌ها و آثاری است که به نوعی به جنگ و مسایل مرتبط با آن می‌پردازد. جنگ‌نامه‌ها، ظفرنامه‌ها، جهادیه‌ها و فتح‌نامه‌ها را می‌توان از این زمره دانست. در دوره معاصر، ادبیات جنگ به نوشته‌ها و آثاری اطلاق می‌گردد که محور اصلی مضامین آنها جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) است و در این معنی، عناوین دیگری چون ادب مقاومت، یا ادبیات مقاومت نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد. منظومه جنگ‌نامه کیشم (منظومه کوچکی در بحر متقارب درباره دست‌اندازی پرتغالیان از سال ۱۰۳۰ به جزیره قشم و حوالی هرمز. (ر.ک. صفا، ۱۳۷۹: ۳۶۶-۳۶۹)) و رمان زمین سوخته و اغلب اشعار سلمان هراتی، نمونه‌های قدیم و جدید از این نوع ادبیات در زبان فارسی است.» (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۰۱، ذیل ادبیات جنگ) در این مدخل، شریفی هم به ادبیات جنگ در ادبیات کهن پارسی اشاره کرده، هم به ادبیات جنگ در دوره معاصر. اما بین ادبیات مقاومت و ادبیات جنگ تفاوتی قایل نشده و هر دو را یکی دانسته است. بر طبق این تعریف، ادبیات پایداری، جنبه توصیفی دارد؛ ادبیاتی است که موضوعات فوق را توصیف کند، یا توضیح دهد.

به عقیده کافی «ادبیات مقاومت، بازتاب برخی دردهای مشترک، میان تمام جوامع بشری است که شاعران به عنوان وجدان آگاه جامعه آنها را فریاد می‌زنند و یادکردشان جوشش ضمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند.» (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹) کافی، ادبیات پایداری را نشأت گرفته از دردهای مشترک جوامع بشری دانسته است.

محمدصادق بصیری در جلد اول کتاب «سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی: از آغاز تا عصر پهلوی» ادبیات پایداری را چنین تعریف کرده است: «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند

به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) بصیری، متعهد و ملتزم بودن را از ویژگی‌های عمده ادبیات پایداری می‌داند و در توضیح تعریف فوق می‌گوید: «در این تعریف، عناصری وجود دارد که هر کدام قابل بحث و تعمیم و بررسی بیشترند: «تعهد و التزام»، «مردم و پیشروان فکری جامعه»، «حیات مادی و معنوی»، «جلوگیری از انحراف در ادبیات» و «شکوفایی و تکامل تدریجی ادبیات»». (همانجا)

فاطمه معین‌الدینی در مقاله «شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان «دا»، ادبیات پایداری را به دو صورت تعریف کرده است: «پایداری در مفهوم وسیع کلمه، ویژگی اساسی ادبیات فارسی است و حضور آن را در تمام گونه‌ها و انواع ادبی می‌توان شاهد بود؛ اما در معنای خاص به ادبیاتی اطلاق می‌شود که به توصیف چگونگی دفاع مردم ایران در برابر هجوم گسترده دشمنان داخلی و خارجی می‌پردازد.» (معین‌الدینی، ۱۳۸۸: ۱۸۲) معین‌الدینی دو مفهوم عام و خاص برای ادبیات پایداری در نظر دارد. وی در معنای خاص، ادبیات پایداری را دارای جنبه توصیفی می‌داند.

موسی بیدج در کتاب «مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز» شعر مقاومت را چنین توضیح داده است: «معنای رایج شعر مقاومت در روزگار ما شعری است که به طور مستقیم به جنگ با دشمن می‌رود.» (بیدج، ۱۳۸۹: ۱۶) و «معنای دیگر شعر مقاومت، شعر جنگ و شعر حماسه است.» (همان: ۱۷) در این تعریف، بیدج به بخشی از ادبیات پایداری توجه دارد که در زمان مبارزه و جنگ شکل می‌گیرد.

محمدی روزبهانی در کتاب «قسم به نخل، قسم به زیتون» ادبیات مقاومت را این چنین تعریف کرده است: «ادب مقاومت به دسته‌ای از آثار ادبی گفته می‌شود که در متن زندگی مردم و در گيرودار تحولات اجتماعی به وجود می‌آید و تنها جنگ بستر به وجود آمدن آن نیست.» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۸) محمدی روزبهانی بر این نکته تأکید کرده که ادبیات پایداری در زمان صلح هم پدید می‌آید و آن را وابسته به تحولات اجتماعی دانسته است.

به گفته صنعتی، سخن از ادبیات مقاومت، سخن از هویت است و هویت‌ها در معرض نیروهای گوناگون روانی، اجتماعی، اقتصادی، جنسیتی، زبانی و ایدئولوژیک تغییر می‌کنند؛ چرا که عناصر سازنده هویت، مثل زبان، مذهب، ایدئولوژی و... مفاهیمی لغزان، دگرگون‌شونده و تابع تحولات تاریخی و انسانی است. در تاریخ، شاهد همگرایی و گسست اقوام و ملیت‌های مختلف، تحت تأثیر

عوامل سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژی هستیم. تاریخ آکنده از ظهور و افول و تحول مذاهب و ادیان و ایدئولوژی‌هایی است که هر کدام به نحوی، همگرایی‌ها و تجزیه‌های قومی را در پی داشته و مفهوم ملیت و مرزبندی‌های میان ملت‌ها را تغییر داده‌اند. (صنعتی، ۱۳۸۹: ۷) صنعتی بر رابطه بین ادبیات پایداری و هویت تأکید کرده است و از آنجا که مؤلفه‌های هویت، لغزان و دگرگون شونده‌اند، ادبیات پایداری نیز در هر دوره‌ای با متغیرهای خاص خود شکل خواهد گرفت و تعریف خواهد شد.

فرشیدورد در کتاب «درباره ادبیات و نقد ادبی» در بحث تقسیم‌بندی انواع ادبی می‌گوید: «بعضی از جامعه‌گرایان و هواداران ادبیات اجتماعی و متعهد، ادبیات را بر دو قسم می‌دانند: یکی ادبیات عوام و اکثریت مردم (ادبیات مردمی و انسانی) یعنی ادبیاتی که از زندگی و دردها و رنج‌های اکثریت مردم سخن می‌گوید و آنان را به عدالت و دادگری رهنمون می‌شود؛ مانند بعضی از اشعار دوران مشروطیت و بعد از مشروطیت ایران. دیگر ادبیات طبقات مرفه و ممتاز جامعه، یعنی ادبیاتی که حافظ منافع همان طبقات است و به منافع عوام کاری ندارد؛ مانند قصایدی که فرخی و منوچهری و عنصری گفته‌اند. برخی دیگر، این دو نوع ادبیات را به نامی دیگر می‌خوانند و آن را ادبیات مقاومت و ادبیات تسلیم می‌نامند. ادبیات تسلیم، مانند اشعاری که درباره یأس و ناامیدی و شرابخواری و تسلیم در برابر قضا و قدر و ناروایی‌های زندگی است. ادبیات مقاومت مانند اشعار فردوسی و ناصر خسرو و هواخواهان مشروطه در ایران.» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۹۵/۱) تعریف فرشیدورد، ناظر بر ادبیات انتقادی است. وی ادبیاتی را ادبیات مقاومت خوانده که در برابر گفتمان مسلط می‌ایستد.

ادبیات مقاومت عرب نیز تعاریفی دارد که البته نمی‌توان آنها را بدون بررسی دقیق بر ادبیات فارسی تعمیم داد.

نخست تعریف غالی شکری است در کتاب «ادب مقاومت» (۱۹۷۰). ادبیات پایداری «به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، با زبانی هنری یا ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ دادن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از رخ دادن شکست وارد میدان می‌شوند و برخی پس از پایان یافتن کار، بی‌درنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازند.»

(شکری، ۱۳۶۶: ۱۰ و ۱۱) وی در این تعریف، پایداری را در برابر دشمنان خارجی و تجاوزگران بیرونی و بیدادگران داخلی می‌داند. بر پایه این تعریف، ادبیات پایداری در زمان صلح هم می‌تواند پدید آید و ببالد. شکری برای ادبیات پایداری جنبه توصیفی قابل است و ویژگی اصلی آن را آگاهی‌بخشی و بیداری می‌داند.

تعریف دیگر از باربارا هارلو است در کتاب «ادبیات مقاومت» (۱۹۸۷). «شعر مقاومت، واکنش جمعی را در برابر سلطه ظلم، بسیج می‌کند. شعر مقاومت، شعر پویا بوده که می‌تواند کانالی برای بیان حرف‌های ستم‌دیده به ستمگر باشد. شعر مقاومت بر خلاف قواعد مرسوم ادبی غرب است و از حصار تنگ شخصی بیرون می‌آید و پیامی جهانی می‌یابد.» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷) هارلو در این تعریف بر چهار عنصر تأکید کرده است: هدف‌دار بودن شعر مقاومت، پویایی آن، تفاوت آن با ادبیات مرسوم غرب و رساندن صدای مظلومان و ستم‌دیدگان به گوش مردم جهان؛ بنابراین، هارلو برای ادبیات پایداری رسالتی جهانی قابل است؛ رسالتی که تنها در مرزهای یک کشور محدود نمی‌ماند، بلکه پیام شاعر و مردم کشورش را به گوش جهانیان می‌رساند.

۲-۱- حدود متغیرهای تعریف

تعریف ادبیات پایداری در ایران، سیر تکوینی‌ای را پیموده و هر کدام از پژوهشگران به جنبه‌هایی از آن اشاره کرده‌اند و به تعاریف پیشین، نکات مهمی افزوده‌اند. در این روند تکاملی، جنبه‌ها و ویژگی‌هایی یافت می‌شود که به مرور در تعریف ادبیات پایداری جای گرفته و مورد تأیید قرار گرفته است؛ بنابراین، لازم می‌آید حدود این موارد، تعیین و تا حد امکان، حد و مرزهای آنها مشخص گردد.

۲-۱-۱- دوره

در نخستین تعریف‌ها، ادبیات پایداری، همان ادبیات دفاع مقدس محسوب شده و به دوره و زمان خاصی منحصر گشته است؛ اما به مرور بین این دو مقوله، نسبت عموم و خصوص مطلق در نظر گرفته شده و ادبیات دفاع مقدس، زیرمجموعه ادبیات پایداری تلقی شده و خصلت «پویایی» یافته است. با این نگاه، ادبیات پایداری، درختی ریشه‌دار است که در بجه‌بجه بحران‌های سیاسی و

اجتماعی می‌بالد. در بعضی از جوامع در هر دوره‌ای که جامعه در معرض خطر و تهدید قرار گیرد، بستری برای پیدایش و رشد ادبیات پایداری به وجود خواهد آمد.

۲-۱-۲- تعهد و التزام

شاعر یا نویسنده به عنوان عضوی از جامعه، خود را مسئول می‌داند در برابر بیداد خارجی یا داخلی خاموش ننشیند و قلمش را برای مبارزه با بیداد به کارگیرد. «در هنگامه‌های بحران‌های اجتماعی و سیاسی، آنجا که تعادل بین مسئولیت ادبی شاعر از یک‌سو، و مسئولیت‌های انسانی و تاریخی و اجتماعی او از سوی دیگر به نفع مسئولیت‌های اخیر متمایل می‌شود، ادبیات گاه حتی به رسانه‌ای بزرگ بدل می‌گردد. حالا متن ادبی، رویه‌ای کارکردی (کارکرد غیرادبی) یافته است و نیت صاحب اثر در حقیقت انتقال و بلکه القای هر چه سریع‌تر مفهوم مورد نظر به مخاطبان است؛ به طور کلی در این موقع ادبیات در مرحله تبلیغ و تعلیق که مشخصه بارز هنر در جوامع ملتهب است، قرار می‌گیرد. در این مرحله، بیشترین اختلاط و تبادل بین شعر و مخاطب (و غالباً یکسویه از طرف شاعر به سوی مخاطب) اتفاق می‌افتد و کاربردی‌ترین وجه شعر رخ می‌نماید.» (شکارسری، ۱۳۸۹: ۶۱ و ۶۲)

به عقیده سارتر نویسنده ملتزم می‌داند سخن، همانا عمل است. می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است و نمی‌توان آشکار کرد، مگر آن که تصمیم بر تغییر دادن گرفت. نویسنده ملتزم، آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده که نقش بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه و از وضع بشری ترسیم کند. انسان موجودی است که هیچ موجودی نمی‌تواند در برابر او بی‌طرف بماند. (سارتر، ۱۳۷۰: ۱۰) در اثر ادبی نمی‌توان بین دو کیفیت لذت‌بخشی و سودمندی برای یکی جایگاه ویژه‌ای قائل شد. «هنگامی که اثری ادبی وظیفه‌اش را به درستی انجام می‌دهد، دو کیفیت لذت و فایده، نه تنها همزیستی دارند، بلکه در هم آمیخته می‌شوند.» (ولک، ۱۳۷۳: ۲۲)

نمونه هنر متعهد را در رمان‌های جنگ ایران و عراق می‌توان دید. در این دوره «نویسندگانی که از جنگ نوشتند، برداشت اخلاقی - عقیدتی از ادبیات را تداوم بخشیدند و همچنان ادبیات را به خدمت سیاست گماشتند. وظیفه تحکیم ایمان را نیز به آن افزودند.» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۳/ ۹۳۱) شاعر یا نویسنده‌ای که در این حوزه قلم می‌زند، متأثر از اجتماع و وضعیت اجتماعی و ایدئولوژی

است. زرقانی دربارهٔ متن‌های ادبی متأثر از ایدئولوژی می‌گوید: خصلت نمایش‌گری متن ادبی به پدیدار ساختن تضادها و کمبودهای ایدئولوژی و شاید برانداختن آن منجر می‌شود؛ زیرا می‌تواند محدودیت‌های ایدئولوژی را آشکار کند و فراروی از آن و مشاهدهٔ بیرونی آن را برای خواننده/منتقد امکان‌پذیر سازد. در مورد ادبیات عهد کلاسیک ایران، می‌توان گفت نوسانات ایجاد شده در رودهای خروشان ادبی غالباً از ارتعاشاتی که در کوه و دشت قدرت سیاسی و ایدئولوژی ایجاد می‌شود، متأثر است.» (زرقانی، ۱۳۹۰: ۹۷) تعهد و التزام، ویژگی‌ها و شاخصه‌های دیگری را هم در ادبیات پایداری نشان می‌دهد. مانند: وجهه اجتماعی، هدفمندی، رسالت. پدیدآورندگان این آثار، علاوه بر درک و شعور سیاسی، رسالتی دارند که ممکن است همسو با گفتمان غالب، یا در مقابل آن باشد.

۲-۱-۳- هدف

ادبیات پایداری، هدفمند است؛ هدف اصلی آن، ایجاد انگیزه و تحرک در جامعه برای مبارزه با استبداد داخلی یا تجاوز بیرونی با آگاهی دادن و بیدار کردن مردم است؛ با این توصیف، تمرکز ادبیات پایداری بر ایجاد انگیزه برای نبرد و مبارزه است و ناگزیر جنبه کاربردی می‌باشد. لازم به توضیح است اغلب، آثاری که پیش از رویداد فاجعه و در زمان جنگ پدید می‌آیند، صبغه کاربردی و آنهایی که با گذشت زمان و پس از جنگ خلق می‌شوند، جنبهٔ توصیفی دارند؛ البته ناگفته نماند دستهٔ اخیر هم پتانسیل‌های نهفته‌ای دارند که در بحران‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این موضوع از کارکردهای عمدهٔ ادبیات پایداری است.

۲-۱-۴- موضوع

پایداری نیاز به موضوع دارد. پایداری در برابر چه؟ در بعضی از تعاریف، افزون بر دشمنان بیگانه و متجاوزان، مبارزه با سلطه‌گران داخلی نیز موضوع ادبیات پایداری شمرده شده است؛ بنابراین، آثار پایداری صرفاً در دورهٔ جنگ پدید نمی‌آیند؛ بلکه در دورهٔ صلح و در برابر سلطه‌گران نیز آثار پایداری آفریده می‌شوند.

۲-۱-۵- هویت

صنعتی به ارتباط ادبیات پایداری و هویت اشاره کرده است. پایداری زمانی به وجود می‌آید که مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های هویت در معرض تهدید قرار گرفته باشد. هویت، عمده‌ترین متغیر تعریف ادبیات پایداری است. رسیدن به استقلال و حفظ هویت به معنای انزوای طلبی و گوشه‌گیری نیست؛ بلکه به گفته برک استقلال در راه‌یابی و دسترسی به جهان است. (برک، ۱۳۹۰: ۴) به این معنا که در عین این که هر قوم در تعامل دایم با اقوام دیگر است، ویژگی‌های خود را نیز حفظ می‌کند و با خواسته‌ها، اسطوره‌ها و شیوه‌های خاص خود زندگی می‌کند. «خصیصه‌های ملی هر قوم، عامل فوق‌العاده مهمی است که شیوه زیستن و اندیشیدن آن قوم بر آن استوار است. این عامل که ملتی را از ملت‌های دیگر متمایز ساخته به هر ملتی وجوه امتیاز آن را می‌بخشد. طبیعی است که این عامل در ادبیات نیز جلوه‌گر می‌شود.» (ریپکا، ۱۳۸۱: ۱۲۰) هویت، پدیده‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه از آنجا که جوامع انسانی در برخورد و تعامل دایم با شرایط و تغییرات محیط طبیعی و از سوی دیگر در برخورد و ارتباط مستمر با جوامع دیگر هستند؛ لذا فرایند ناشی از تعامل این دو روند در طول زمان، تعیین‌کننده نسبی خصوصیات قومی، اجتماعی و ملی یک جامعه، یا به عبارت دیگر، بیان‌کننده ویژگی‌ها و مشخصه‌های مشترک و به طور خلاصه هویت جمعی آنهاست. (هرمیداس باوند، ۱۳۷۷: ۲۰) بدیهی است که مؤلفه‌های هویت در هر دوره، با دوره‌های دیگر، تفاوت و مغایرت دارد. این مؤلفه‌ها در جوامع مختلف و حتی در دوره‌های مختلف در یک جامعه، یکسان نیست؛ در نتیجه، با توجه به این که کدام یک از عناصر و مؤلفه‌های هویت مورد تهدید یا هجوم قرار گرفته، ادبیات پایداری شکل ویژه‌ای برای نمود و بروز می‌یابد و گاه در این زمینه از دیگر عناصر هویت نیز کمک می‌گیرد. یکی از مؤلفه‌های هویت، ملیت یا قومیت است؛ از این روست که در بسیاری از تعریف‌ها به وجهه میهنی، قومی و ملی ادبیات پایداری اشاره شده است.

۲-۱-۶- تأثیرپذیری از شرایط سیاسی- اجتماعی

ادبیات پایداری وابسته به وضعیت سیاسی و اجتماعی است و در دوره‌های بحرانی با تأثیرپذیری از اوضاع، رشد و پرورش می‌یابد. این ویژگی، سبب می‌شود گاه اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها نیز به ادبیات پایداری راه یابد.

۲-۲- جمع‌بندی

وجود متغیرهای متعدّد در تعریف ادبیات پایداری، سبب می‌شود در هر دوره‌ای دسته‌ای از ویژگی‌ها تشخیص و برجستگی یابند. ادبیات پایداری «در هر دوره‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد. همان‌گونه که در ادبیات عربی نیز این‌گونه است؛ به عنوان مثال به دنبال شکل‌گیری نهضت شعوبیه، شاعران ایرانی در شعرهای عربی و یا فارسی خود، گونه‌ای از ادبیات مقاومت را مطرح می‌کنند که بیانگر مفاد آیه شریفه «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» باشد. آنگاه که حمله مغولان پیش می‌آید، این نوع ادبی در آثار بزرگان ادب فارسی به دلیل طولانی‌شدن سیطره مغولان، جنبه عرفانی، سمبلیک و رمزی می‌گیرد.» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

شکری مهم‌ترین ویژگی‌های آثار پایداری را در مرحله اول، انسانی بودن و پس از آن، اجتماعی و ناسیونالیستی بودن و آگاهی بخشی می‌داند. از نظر او، سه بُعد بنیادی هر اثر ادب پایداری باید «مطلقاً انسانی، یا محدود در حدود ناسیونالیستی، و یا دارای جنبه‌های اجتماعی، با رنگ و بوی مردمی آن باشد. گاه در یک اثر ادبی، این ابعاد، سخت به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ ولی هنرمند به اقتضای موهبت فنی و زاویه فکری خود، بر یکی چشم می‌دوزد؛ بنابراین، ادب پایداری، بسیار بزرگ‌تر از آن است که در چنین قالب‌های محدود گنجانیده شود. اگر به یاد داشته باشیم که ادب، اساساً زندگی خود را به صورت یک فعالیت مقاوم آغاز کرده است، این حقیقت به صورتی تردیدناپذیر برای ما روشن خواهد شد که نقش ادبیات در زندگی انسانی، برتر از آن است که انکارش بتوان کرد و نیز خواهیم دانست که این نقش، عبارت است از انگیزش غریزه پایداری و تولید نیروی ایستادگی در جان آدمی به هنگامی که آن غریزه خفته و این نیرو با گذشت روزگاران رو به کاستی نهاده باشد.» (شکری، ۱۳۶۶: ۱۴) شکری پایداری را یک نیروی غریزی می‌داند که گاه سستی می‌گیرد و به ضعف می‌گراید.

بنابر آنچه گفته شد، ادبیات پایداری، ادبیاتی ایستا و منحصر به یک چارچوب، زمان و دوره مشخص نیست. هر گاه قوم و ملتی در معرض هجوم نیروهای خارجی یا سلطه داخلی قرار گیرد، زمینه آفرینش آثار پایداری فراهم می‌شود.

ادبیات پایداری معمولاً در جوامع حساس و هوشیار به وجود می‌آید؛ جامعه‌ای که کسب و حفظ استقلال در نظرش ارزش به شمار آید. ویژگی دیگر این جامعه، استفاده از هنر و زبان هنری و ادبی برای القای پایداری و آفرینش هنر و ادبیات پایداری است.

پیشینه‌ی درازمدت پایداری در ایران، نشان می‌دهد این ویژگی در روح مردم ایران نهفته است و هر گاه وقت آن فرارسد به گونه‌ای به مقتضای زمان در قالب‌ها، شکل‌ها و انواع ادبی مناسب آن دوران می‌شکند و می‌بالد. ادبیات پایداری «در هیچ دوره‌ای از دوره‌های تاریخی ادب یک ملت، یا ملت‌های بزرگ، فرونخشیده و همواره در شعر و بیان ادبا و نویسندگان بروز کرده است. نهایت، این که بسته به شرایط حاکم سیاسی و اجتماعی حاکم بر یک ملت، ادبیات مقاومت، صورت‌های بروز آن تغییر یافته و با شرایط حاکم بر جامعه، هماهنگ شده است؛ گاهی به صورت برجسته و تهاجمی و گاهی در قالب شعر و ادب تمثیلی و داستانی و گاه در قالب‌های دیگر هویت آن مشخص شده است.» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

بر این اساس اگر بخواهیم تعریفی از ادبیات پایداری ارائه کنیم که متغیرهای اصلی آثار پایداری را دربرگیرد و در عین حال، جامع آثار پایداری ادب همه دوره‌ها باشد، می‌توان گفت:

ادبیات پایداری به مجموعه آثار ادبی متعهد و ملتزمی گفته می‌شود که به منظور ایجاد انگیزه در جامعه، برای حفظ هویت در برابر عوامل تهدید کننده آن پدید آمده باشد.

در این تعریف، ادبیات پایداری متعهد و ملتزم است، جنبه اجتماعی دارد، با هدف ایجاد انگیزه، آگاهی‌بخشی و بیداری پدید می‌آید. در این تعریف بر شناخت و حفظ هویت ملی و فرهنگی و ایستادگی در برابر عوامل تهدید کننده آن، تأکید می‌شود. این نیروها ممکن است سلطه‌گران داخلی یا تجاوزگران بیگانه باشند؛ بنابراین، ادبیات پایداری تنها در دوره جنگ به وجود نمی‌آید؛ چرا که تنها در جنگ نیست که هویت ملی مورد تهاجم قرار می‌گیرد. هر نوع تهاجم فرهنگی و اندیشگی حالت پایداری، تدافع و واکنش به وجود می‌آورد و زمینه‌ای برای بالیدن ادبیات پایداری در جوامعی که شعور سیاسی و درک ادبی و هنری و توان آفرینش ادبی داشته باشد، فراهم می‌آورد.

این تعریف، آفرینش‌های ادب پایداری را هدفمند و در خدمت ایستادگی در برابر نیروهای مخرب و مهاجم می‌داند.

۳- نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری، شاخصه‌ها و متغیرهایی دارد که با کمک آنها تعریف می‌شود. مهمترین این شاخصه‌ها عبارتند از: متعهد و ملتزم بودن، تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی و اجتماعی، موضوع، هدف، هویت. با استفاده از این شاخصه‌ها می‌توان ادبیات پایداری را این گونه تعریف کرد: ادبیات پایداری به مجموعه آثار ادبی متعهد و ملتزمی گفته می‌شود که به منظور ایجاد انگیزه در جامعه، برای حفظ هویت در برابر عوامل تهدیدکننده آن، پدید آمده باشد.

بدیهی است که مؤلفه‌های هویت در هر دوره با دوره‌های دیگر، تفاوت و مغایرت دارد. این مؤلفه‌ها در جوامع مختلف و حتی در دوره‌های مختلف در یک جامعه، یکسان نیست؛ بنابراین، هویت ملی از متغیرهای تعریف ادبیات پایداری است؛ در نتیجه با توجه به این که کدام یک از عناصر و مؤلفه‌ها جزو هویت بوده و چگونه مورد تهدید یا هجوم قرار گرفته، ادبیات پایداری شکل دیگری برای نمود و بروز می‌یابد و گاه در این زمینه از دیگر عناصر هویت نیز کمک می‌گیرد.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. بصیری، محمد صادق. (۱۳۸۸). *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی*، ج ۱: از آغاز تا عصر پهلوی. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲. بیدج، موسی. (۱۳۸۹). *مقاومت و پایداری در شعر عرب، از آغاز تا امروز*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۳. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*. شیراز: انتشارات نوید.
۴. زرقانی، مهدی. (۱۳۹۰). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی تطوّر و دگرذیسی ژانرها تا میانه سده پنجم*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.

۵. سارتر، ژان پل. (۱۳۷۰). **ادبیات چیست؟**. ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. چاپ هفتم. تهران: کتاب زمان.
۶. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). **فرهنگ ادبیات فارسی**. چاپ دوم. تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین.
۷. شکارسری، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «با شدتی شگفت، شلیکم کن پیش از آن که باروتم نم بکشد». رشت: انتشارات حرف نو.
۸. شکری، غالی. (۱۳۶۶). **ادب مقاومت**. ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). **حماسه سرایی در ایران**. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
۱۰. صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۸). **درباره ادبیات و نقد ادبی**. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۵). **بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان**. چاپ دوم. تهران: انتشارات پالیزان.
۱۳. محمدی روزبهرانی، محبوبه. (۱۳۸۹). **قسم به نخل، قسم به زیتون: بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۴. میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. (۱۳۷۷). **واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی**. تهران: انتشارات مهناز.
۱۵. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). **صد سال داستان‌نویسی در ایران**. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
۱۶. ولک، رنه و آوستن وارن. (۱۳۷۳). **نظریه ادبیات**. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ب. مقاله‌ها

۱. اسماعیل‌زاده، محمد. (۱۳۷۳). «جایگاه رمان در ادبیات انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان. بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی، صص ۹-۱۹.
۲. امیری خراسانی، احمد و فاطمه هدایتی. (۱۳۹۳). «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود». نشریه ادبیات پایداری. سال ششم، شماره دهم، صص ۲۳-۴۱.

۳. برک، ژاک. (۱۳۹۰). «**هویت جمعی چیست؟**». هویت جمعی در شناسایی مصادیق فرهنگ. ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، صص ۳-۲۱.
۴. رحمان‌دوست، مجتبی. (۱۳۷۹). «**رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، شماره ۱۵۶، صص ۴۶۵-۴۸۵.
۵. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۵). «**ساختار شعر پایداری**». بیناب. شماره دهم، صص ۱۵۸-۱۶۳.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «**ادبیات پایداری**». فصلنامه شعر. سال دوازدهم، شماره ۳۹، صص ۴۵-۵۳.
۷. عیسی‌نیا، رضا. (۱۳۸۴). «**امام و ادبیات پایداری**». نامه پایداری. مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری. به کوشش احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. کافی، غلامرضا (۱۳۸۷). «**ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان**». مجموعه مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری. به کوشش احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۹. محسنی‌نیا، ناصر. (۱۳۸۸). «**مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب**». نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول، شماره اول، پاییز، صص ۱۴۳-۱۵۸.
۱۰. معین‌الدینی، فاطمه. (۱۳۸۸). «**شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان‌ها**». نشریه ادبیات پایداری. سال اول، شماره اول، صص ۱۵۹-۱۸۴.
۱۱. هرمیداس باوند، داود. (۱۳۷۷). «**چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی**». اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۱۲۹-۱۳۰، خرداد و تیرماه، صص ۲۰-۳۱.

